

پژواک

دستاوردمغفول مانده برجام

● **محمدامین زکی‌زاده**:
بیشتر آنچه به عنوان دفاع از برجام از مسئولان دیپلماسی و هسته‌ای و استادان حقوقی کشور شنیده‌ایم، با عاوبونی ازجمله بسته‌شدن پرونده NPT، رفع تحریم‌های بانکی و بیمه‌ای، افزایش بهره‌وری غنی‌سازی با ورود نسل پیشرفته سانتریفیوژها در آینده نزدیک، تنش‌زدایی فعال و غیره بوده است؛ اما آنچه کمتر شنیده‌ایم، بررسی توان بازدارندگی نظامی جمهوری اسلامی، پیش و پس از برجام است.
بی‌شک آشفنگی حال حاضر منطقه، نتیجه تضاد کاذب منافع کشورهای خاورمیانه و نفوذ اسرائیل بر جبهه همدوقامت است؛ مسئله‌ای که بدون شک امنیت ملی ما را نشانه رفته است. در کنار تضعیف جبهه ضد ایرانی، پیرو تنش‌زدایی ماحصل برجام، لغو ممنوعیت فروش سامانه «اس۳۰۰» به ایران در آستانه توافق نهایی برجام، خبر بد دیگری به بدخواهان منطقه‌ای ایران و شرکایشان بود؛ سامانه‌ای که به نظر کارشناسان نظامی، نقطه عطفی در معادلات امنیتی منطقه به شمار می‌آید؛ سامانه‌ای که حتی پایگاه‌های نظامی امریکا در حاشیه خلیج‌فارس را به دقت رصد می‌کند.
اجرای قرارداد فروش این سامانه، پیش‌تر از سوی روسیه به بهانه تحریم‌های شورای امنیت، متوقف شده بود و کیست که نداند این برجام بود که این بهانه را مرتفع کرد و روند تحویل این آغاز شد، البته این موضوع، تنها یکی از دستاوردهای برجام در حوزه توان بازدارندگی نظامی جمهوری اسلامی است و اگر بنا به شمارش تک‌تک دستاوردها باشد، می‌توان درباره اهمیت مذاکرات خرید جنگنده پیشرفته سوخو و تولید تانک «کی-۹۰» در ایران نیز به تفصیل سخن گفت.

ادامه از صفحه ۶

چرا دکتعرف

گذشته از اهمیت نمادین، نکته نهفته این است که با توجه به اینکه نمایندگان محترم شهرستان‌ها، عموماً در مسائل منطقه‌ای و پیگیری‌ها برای توسعه محلی درگیر می‌شوند، مأموریت‌های کلان سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری کشور، بر دوش نمایندگان تهران قرار می‌گیرد.
اینها تیم دکتر عارف هستند و اصولگرایان به خواست ملت، هیچ حضوری در میان نمایندگان تهران ندارند.

۵- برای انتخابات آینده ریاست‌جمهوری، آقای دکتر عارف باید بتوانند از مردم بخواهد به پای صندوق رأی بایند و از دولت حمایت کنند. برای ارتبخشی این دعوت، ایشان باید به کارنامه عملکرد یک‌ساله خود و مقایسه ییلان کار در سیستم قانونگذاری و نیز وعده‌های انتخاباتی خود اشاره کند. این ازجمله مواردی است که آقای عارف را ملزم به پذیرش ریاست قوه مقننه می‌کند.

۶- در کنار یکپارچگی گفتگمانی و پیوستگی هویت سیاسی، آقای دکتر عارف و انسجام کم‌سابقه تیمی و ظرفیت بالای کار جمعی را دارد. سرلیست امید، به‌خوبی کف ۴۵ درصدی رأی را دارد و در مقابل آن دو جریان اصولگرایان معتدل و اصولگرایان افراطی (پاینداری و دل‌پایس) قرار دارند. نتیجه حاصله از انتخابات دوم‌رحله‌ای اخیر، نشان می‌دهد منشوری از طیف‌های اصلاح‌طلب و اعتدالی‌ها، (برخوردار از اکثریت نسبی)، اصولگرایان معتدل و اصولگرایان افراطی (پایداری و دل‌پایس) و مستقل‌ها در مجلس دهم حضور دارند.

۷- هیچ‌کدام از رقبای بالقوه دکتر عارف، مزیت‌های رقابتی ایشان را ندارند؛ زیر پروضح است که مجلسیان هشتم و نهم، با آنچه نیک و بد دولت آقای احمدی‌نژاد بوده، بی‌ارتباط یا درباره آن بی‌تقصیر نبوده‌اند. دولت احمدی‌نژاد و تک‌تک نمایندگان و ازجمله هیأت‌رئیس‌ه آن مجالس، دستاورد مشترکی، ذیل این دوره به دست داده‌اند، که در تاریخ ما ثبت شده است. همچنین نمی‌توان مجلسی‌که به طور بی‌سابقه‌ای بالغ بر ۸۰ درصد از نمایندگان آن نتوانسته‌اند رأی اعتماد از ملت بگیرند، به هیأت‌رئیس‌های سپرده شود که در رأس مجلس گذشته بوده است. نکته دیگر آنکه اصولگرایانی که امروزه مصلحت‌اندیشانه گرد آقای دکتر لاریجانی حلقه زده‌اند، جریانی نامشخص هستند که از دکتر لاریجانی و برخی باران ایشان که از طریق لیست امید رأی آورده‌اند شروع می‌شوند و به جرایب افراطی پایداری و دل‌پایس خاتمه می‌یابند که تا آخرین ساعات روز جمعه هفتم اسفند ۹۴، تلاش کردند دکتر علی لاریجانی را از نفر دومی شهر قم تا نفر چهارم‌شدن نیز عقب برانند. این گروه اکنون گردگارد آقای دکتر لاریجانی هستند، ولی تا کی و تا کجا باقی خواهند ماند؟ آقای لاریجانی، البته رهبر اصولگرایان معتدل است ولی چگونه با همکاری اصولگرایان دل‌پایس پایداری، پیش می‌رود؟ البته که نمی‌شود.

۸- اما مهم‌ترین مسئله ریاست مجلس، مسئله حفظ وحدت در مجموعه بزرگ جبهه اعتدال و امید است که شامل هردوی این آقایان است. مدیریت اینպاقب و توافق بر سر آن برای پیش از آغاز به کار مجلس یک ضرورت جدی برای حفظ وحدت اعتدالی‌ها در هر دو اردوگاه اصلاح‌طلبان و اصولگرایان است. این انتخاب و رقابت هرگز نباید محملی برای شکاف معتدلان و سوءاستفاده افراطیون شود که به نظر می‌رسد چنین نیز نخواهد شد.

دیپلماسی

هیچ رئیس‌جمهور آمریکایی دیگری جز اوباما، مجبور به تحمل چنین حقارتی هنگام دیدار از نزدیک‌ترین هم‌پیمان آمریکا در جهان عرب نبوده است. هنگامی که هوابیمای باراک اوباما در اواسط آوریل در فرودگاه ریاض بر زمین نشست، ملک سلمان ترجیح داد در کاخ خود بماند. در عوض برای استقبال از قدرتمندترین شخصیت جهان، فرماندار ریاض به پیشواز او آمد. برای استقبال از او، هیچ مراسمی برپا نشد و تلویزیون دولتی عربستان خبر ورود او را به عربستان سعودی پخش نکرد. اوباما قبل از تلاش برای سروش‌گذاشتن بر این توهین، با یک لیخن‌گشدار بر سنگفرش، اندکی نامطمئن به نظر می‌رسید. پیام این رفتار روشن بود: عربستان سعودی احساس می‌کند آمریکایی‌ها این کشور را در شرایط و وضعیت بدی رها کرده‌اند. عربستان نیز ترسی از نشان‌دادن ناکرسانی خود از آمریکا به خود راه نمی‌دهد.
داستان استقلال سرد از اوباما چیزی بیش از یک گزارش کوتاه مفرح است. از نظر روابط بین‌المللی و دیپلماتیک این مسئله توهین‌آمیز بوده و هنوز هم هست. این واقعه نشان‌دادن چرخش عمیق ژئوپلیتیک و منازعه رشدیابنده‌ای است که تمام منطقه خاورمیانه را دربر گرفته است. این واقعه تبدیل به جنگ سرد دوران شده و عربستان سعودی را علیه ایران در بدترین شرایط ممکن قرار داده است. این دو رقیب در حال چالش برای رسیدن به برتری در منطقه هستند و اصلاً روشن نیست ایالات متحده در طرف کدام‌یک از این دو رقیب ایستاده است.

وضعیت عدم اطمینان و تغییر سریع

خاورمیانه چنان‌که مدت‌هاست آن را می‌شناسیم، به طرزى دراماتیک در حال تغییر است. تهران و ریاض پشت سر یکی از همه طرف‌های درگیری در منطقه ایستاده‌اند. خونین‌ترین جنگ داخلی امروز، منازعه در سوریه است که وارد ششمین سال خود شده، این جنگ داخلی تاکنون باعث کشته‌شدن بیش از ۲۵۰ هزار نفر شده و به نظر نمی‌رسد آتش‌بسى که دو ماه گذشته برقرار شده بیش از این دوام بیاورد. در سوریه و همچنین در منازعات در عراق و یمن جبهه‌های جنگ، جبهه‌هایی اعتقادی هستند. صلح شکننده‌ای در لبنان و بحرین برقرار است، اما این صلح، می‌تواند با آشوبی اعتقادی برهم بخورد. همه این جنگ‌های نیابتی و منازعات اعتقادی باعث پدیدارشدن موجی از مهاجرت شده است. بیش از شش میلیون نفر از سوریه و عراق همراه حدود سه میلیون نفر از یم اقدام به فرار از منطقه کرده‌اند و از خاکستر خاورمیانه هیولای چندسری سر برآورده که خواهان ایجاد ترور در بروکسل، پاریس، استانبول و سایر مناطق جهان است: این هیولای چند سر، دماش است. گویی تاریخ با طنز خود ما را خطاب قرار داده است، شبه‌نظامیان تروریست سنی هم ایران و هم عربستان سعودی را دشمن خود می‌پندارد.

برافروخته‌شدن جنگ در خاورمیانه در جوهر خود همچنین با آمریکایی سروکار دارد که نقشش در جهان دچار تغییر شده است. پس از چند دهه دشمنی با ایران، رئیس‌جمهوری آمریکا خواهان آغاز دوباره گفت‌وگو با ایران شده و مذاکراتنش با ایران منجر به امضای توافق‌نامه هسته‌ای با تهران شده است. این توافق‌نامه توان هسته‌ای ایران را محدود کرده و قرار است به ازای این محدودسازی، تهران وارد مبادلات تجاری و اقتصادی با غرب بشود. درهمین‌حال ایالات متحده ترجیح می‌دهد خود را از این منطقه دور نگذری و بحران و آشوب پیچیده بیرون بکشد. وقایع جاری در منطقه محصول این فرایند است. از سوی دیگر، ایران مایل است نقش سابق خود را در منطقه بازسازی کند. و از آن سو سعودی‌ها احساس می‌کنند؛ تحت فشار بیشتری قرار دارند؛ کشوری که روزگاری حاکمانش به بی‌اعتدالی و بی‌وفایی معروف بودند، امروزه هم به قدرت رسیدند.

این جنگ سرد بر تمامی جهان اثر گذاشته و تحقیق برای یافتن ریشه‌ها و دلایلش حیاتی است؛ همچنین دقت در آنچه باعث رانده‌شدن عربستان سعودی و ایران به سوی ادامه این راه پر آشوب و بلوا شده، امری مهم است. یک نیم از گزارشگران نوافشیکل به هر دو کشور رفته‌اند تا دراین‌باره تحقیق کنند. آنها با سیاست‌مداران، رهبران مذهبی، فعالان، روشنفکران و مردم معمولی در خیابان‌ها سخن گفته‌اند.

شیعیان سعودی

«عومایه». شهری غبارآلود در سواحل آبگیری است که یکی از طرفین دعوی، آن را با نام مجبول، خلیج (عربی) و طرف دیگر خلیج‌فارس می‌نامند به نظر می‌رسد در عومایه خود عربستان سعودی درگیر یک جنگ داخلی است. یک ایست‌بازرسی که با دیوارهای محافظ بلند در ورودی شهر قرار دارد و یک زره‌پوش در برابر ورودی شهر پارک شده است. شب‌ها نورافکن‌ها بر این محله ایست‌بازرسی نوافشیکل می‌کنند. چنین دیوارهای بتونی‌ای در میدان اصلی «عومایه» در اطراف ایستگاه پلیس، ایستگاه فرعی برق و اداره شهرداری نیز دیده می‌شوند. بر تمامی دیوارها تصاویر و شعارهایی نقش بسته‌اند؛ «آنها ما را می‌کشند به خاطر اینکه ما شیعه‌ایم»، «فریب‌کاران بروید به جهنم»، «ما هرگز دست از مبارزه برنخواهیم داشت»، «ما هرگز تور ا فراموش نخواهیم کرد»، «ممر ما نمرده است».

شب اول ژانویه عربستان سعودی نمرالنمر، روحانی مُبلغ شیعه را که در عومایه زندگی می‌کرد اعدام کرد. همراه او ۴۶ زندانی دیگر هم اعدام شدند. این بزرگ‌ترین موج اعدام‌ها در عربستان سعودی در بیش از سه دهه گذشته بود. عربستان سعودی هم که اقلیت شیعه دارد؛ در هیعیان ۱۰ درصد از جمعیت کشور را تشکیل

جنگ سرد عربستان سعودی و ایران

نوشته: سوزان کولبل، سمیها شافی و برنارد زند ، ترجمه: شهرام زرندار



می‌دهند و نمر یکی از مشهورترین نمایندگان این اقلیت بود. او مخالف سرسخت خاندان سلطنتی آل‌سعود بود و حاکمان کشورش را متهم به سرکوب سیستماتیک شیعیان می‌کرد. پس از اعدام نمر، عده‌ای به سفارت عربستان سعودی در تهران حمله کردند که منجر به پایان‌یافتن روابط دیپلماتیک عربستان با ایران شد. تهران نیز دیپلمات‌های خود را از عربستان فراخواند. پس از آن، سکوتی یخی بر رابطه بین دو قدرت منطقه‌ای برقرار شد. برادر روحانی کشته‌شده شیعه در دفتر خود در ساختمان دادگستری در حاشیه بیرونی عومایه نشسته است. محمدالنمر مرد ۵۲ ساله‌ای بلندبالا و آراسته با ریش و سبیل خاکستری است.

او لباسی سفید با جفیه سرخ و سفید پوشیده است. می‌گوید: «اعدام ۴۶ زندانی دیگر، بهانه‌ای برای کشتن برادر من بوده است». محمدالنمر عصبانی با برآشفته به‌نظر نمی‌رسید. او احساس می‌کند سرکوب شده است. او در ادامه می‌گوید: «دیگر زندانی‌ها خیلی وقت پیش محکوم به اعدام شده بودند. شیخ‌نمر برای ما منبع الهام بود، به‌ویژه جوان‌ها از او الهام می‌گرفتند. در اینجا به او عمقا و با عشق احترام می‌گذاشتیم». این روحانی در طول زندگی‌اش بارها دستگیر شد و بار آخر در تابستان ۲۰۱۲ او را دستگیر کردند. درست قبل از این دستگیری، ولیعهد عربستان نایف‌بن‌عبدالعزیز مُرد. نمر درباره مرگ او این چنین اظهارنظر کرده بود: «گرم‌ها او را خواهند خورد و در گورش فقط عرستان سعودی است که شد. مردی که ما را مجبور به زندگی در رنج و ترس و وحشت کرد. آیا ما نباید از مرگ او شادمان باشیم؟». محمدالنمر می‌گوید: «کلماتی که برادرش ادا کرده، با تروریسم متفاوت است». او با انگشت سیاه‌اش بلند شده و به‌آرامی و هجی‌شده به عربی سخن می‌گوید. محمدالنمر نیز می‌توانست یک متلغ و روحانی مؤثر باشد؛ اما او یک تاجر است و هر کلمه‌ای را که ادا می‌کند با دقت سبک- سنگین می‌کند. او حمله به سفارتخانه را محکوم می‌کند و می‌گوید: «من شخصی هستم که عاشق کشورش است».

پنج ماه قبل از اینکه برادرش دستگیر شود، محمدالنمر که در آن وقت یک پسر ۱۷ ساله بود نیز دستگیر شده بود. در طول دوران بهار عربی، پسر او در تظاهرات خیابانی شرکت کرده و در نتیجه، محکوم به اعدام شده بود. می‌خواستند علی‌النمر را گرد و بزند و به صلیب بکشند. پدر می‌پرسد: «در این مورد چه باید بگویم؟ هنگامی که پسرمد دستگیر شد. بچه بود». او می‌گوید: «علی باوقش و روحانی بود و به دانشگاه ثبت‌نام کرده بود؛ اما حالا پنج سال است که در زندان است». اعدام این روحانی شیعه و اعلام حکم برده‌ازانه علیه پسر برادرش، موجی از اعتراض را در سراسر جهان به راه انداخت. این ماجرا برای القای اینکه عربستان سعودی از سوی ایران احساس خطر می‌کند، شکل گرفت. به تازگی عربستان سعودی ماجراجویی را در سیاست خارجی شروع کرده؛ در یمن که همسایه جنوبی عربستان سعودی است ریاض علیه شیعیان حوثی دست به حملات هوایی و زمینی رده است. باین‌همه، باوجود ماه‌ها بمباران، این عملیات شکست خورده و تصاویر شهرهای نابودشده و غیرنظامیان کشته‌شده، همه به ایران کمک کرده است.

نگاه‌منطقامتناقض

علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه سابق ایران، در مطب خود با تکت‌وشلوار سرمه‌ای نشسته است. یک دیپلمات خداترس و زاهد که بار دیگر شروع به طبابت اطفال کرده است. اندکی از ساعت ۹ شب گذشته و آخرین مریض او که پسری هفت‌ساله است که گوشش درد می‌کند، مطب را ترک کرده است. ولایتی، مشاور سیاست خارجی رهبر ایران است و این موضوع، او را به درونی‌ترین حلقه قدرت وصل می‌کند. در همین ماه فوریه بود که ولایتی برای گفت‌وگو با ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه درباره راه پیش‌رو در سوریه، به مسکو رفت و اکنون درحالی‌که بار دیگر به طبابت روی آورده، می‌خواهد درباره سیاست خارجی سخن بگوید. او به دوستی دوهزارساله بین ایران و یمن اشاره می‌کند و می‌گوید هزارو ۵۰۰ سال قبل، ایران به انتهای جنوبی شبه‌جزیره عربی نیروفرستاده تا علیه اشغالگران ایتوپیایی بجنگند. او می‌گوید: «اشغالگران مجبور به عقب‌نشینی از یمن شدند و ایران در این نبرد پیروز میدان بود». او می‌گوید: «درست‌مانند اشغالگران آن روز، امروز سعودی‌ها در یمن «با شکست کامل» روبه‌رو خواهند شد: آنها تا کردن در باتلاق یمن فرو رفته‌اند». او می‌گوید: «حکومت در اتجا غیرقانونی است و به‌زودی ریشه‌کن خواهد شد». به پشی صندلی‌اش تکیه می‌زند. دست آخر، یکی، دو دهه تحریم غربی‌ها و کمی کمتر از سه سال حکمرانی یک خانواده عربی در ریاض در برابر

دیپلماسی

همچنین در غرب در سرهای جوان‌های کم‌وکیچ‌شده به بار نشسته است. اکنون افراط‌گرایی خود سلطان‌نشین سعودی، یعنی کشوری را که روزگاری تخمش در آن کاشته شده بود تهدید می‌کند.

هشت سال پس از وقایع سال ۱۹۷۹، بین تظاهرات‌کنندگان ایرانی و نیروهای امنیتی سعودی برخوردی پیش آمد که در آن ۴۰۰ نفر از حجاج جان خود را از دست دادند.

در روز ۲۶ فوریه، روز انتخابات مجلس خیرگان و اولین انتخابات پارلمانی، مقامات سیاسی ایران در حوزه انتخاباتی‌ای در شمال تهران رای خود را به صندوق ریختند. اینجا جایی است که آیت‌الله خمینی هنگامی که هنوز زنده بود مردم را به حضور می‌پذیرفت. امروز قاب عکس بزرگی از این رهبر انقلابی بر دیوار آویزان است. اولین شخصیت رای‌دهنده در آن صبح محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران بود. گفته شده ظریف به عنوان یک کودک اجازه نداشته تلویزیون تماشا کند. والدینش نمی‌خواست‌ه‌اند او در معرض نفوذ سموم غربی قرار بگیرد.

پس از او آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران با لباس روحانیت رای خود را به صندوق ریخت. او را قدرتمندی بانفوذ پشت سر دولت حسن روحانی می‌دانند. پس از او حسن خمینی، نوه رهبر انقلاب ایران و محمد خاتمی رئیس‌جمهور پیشین آرای خود را به صندوق ریختند.

تا هنگام مرگ ملک‌عبدالله در اوائل سال ۲۰۱۵، ساختار قدرت این موناشرشی متمایل به ایستابودن بود، اما از آن زمان تاکنون این ساختار دچار انتقالی شدید و تعین‌کننده شده است. جاشن‌بن او ملک سلمان بن‌عبدالعزیز در ۸۰سالگی مهم‌ترین مشاورانش را تنها پس از چند روز بعد از به‌قدرت‌رسیدن اخراج کرد و بعد خط جاشن‌هایش را هم تغییر داد؛ او شاهزاده محمد بن‌ناف ۵۶ساله را که وزیر کارگشته و باتجربه است به عنوان ولیعهدش منصوب کرد. در پی این انتصابات او پسر خودشان محمد بن‌سلمان ۳۰ساله را به عنوان معاون ولیعهد و وزیر دفاع منصوب کرد. طیف مقاماتی که ملک سلمان به پسرش داده هیچ شکی درباره اینکه او چه کسی را به عنوان جاشن‌ین خود می‌خواهد، باقی نگذاشته است. علاوه بر مسئولیت فرماندهی نظامی، محمد بن‌سلمان همچنین بر ذخایر نفت کشور به عنوان رئیس شورای اقتصادی و امور توسعه نظارت دارد.

زنان پیشگام

زنی که در ایران به بالای ساختار دولتی رسیده، معاون رئیس‌جمهور روحانی، خانم شهیندخت مولاوردی است. او ۵۰ سال دارد و یک وکیل است. مولاوردی مواظب رئیس‌جمهور در دراست‌کند، حتی در این پست ارتقایافته، او حجاب خود را حفظ می‌کند. او در اتاق کنفرانس دفتر رسمی‌اش در تهران نشسته و گردگرد او را نماهایی از پرچم‌ها و عکس‌های رهبر عالی‌مقام انقلاب اسلامی گرفته است. او با یک جمله تحریک‌آمیز بامعنا به این پست رسید. هنگامی که رئیس‌جمهور روحانی در تابستان سال ۲۰۱۲ کابینه‌اش را معرفی کرد، او در معرض افکار عمومی، رئیس‌جمهور را نقد کرد. او پرسید: «چرا سهم زنان در فهرست ۳۳ نفره هیأت وزیران صفر است؟ چرا روحانی به زنان اعتماد ندارد؟» دو ماه بعد او به سمت یکی از معاونان چندانکه رئیس‌جمهور منصوب شد. مولاوردی سپس به آقای رئیس‌جمهور ارسال کردیم. در اینجا قانون انتخابات روشن‌شده و ابهامی ندارد و در ماده ۷۳ آن به‌صراحت همه‌چیز اعلام شده است و آمده که بعد از اعلام سلامت انتخابات حوزه، شورای نگهبان اعتبارنامه‌های افراد را امضا و به مجلس ارسال کند. در این موضوع شورای نگهبان انتخابات اصفهان را تأیید کرد، ولی انتخاب این فرد را باطل اعلام کرده است. چنین چیزی با عقل جور در نمی‌آید. چطور می‌شود شورای نگهبان این فرد را تأیید کند و نظر قطعی و نهایی را بدهد. اما دوباره چنین مباحثی را مطرح کند». نماینده مردم تهران افزود: «در این‌نامه داخلی مجلس آمده است اگر مدارکی بعد از انتخاب نماینده پیدا شد، باید مجلس تعیین کند که اعتبارنامه آن فرد مورد تأیید

است یا نه. این موضوع درباره خانم خالقی روشن است و شورای نگهبان هم می‌داند اشتباه کرده است و کاملاً مطمئن است که اعتبارنامه خالقی در مجلس رأی می‌آورد، اما آنها اشتباهی را که قبلاً مرتکب شده‌اند، می‌خواهند حالا جبران کنند. اصلاً چنین چیزی وجود ندارد». نماینده منتخب مردم تهران در مجلس دهم، افزود: «عده‌ای در کشور حق اعتراض را قبول ندارند». مطهری در بخش دیگری از سخنان خود به‌موضوع مینو خالقی بازگشت و گفت: «اینکه می‌گویند هیات حل اختلاف، خانم خالقی را رد کرده است، باید یک سؤال به وجود می‌آورد که چرا علت این ابطل را نمی‌گویند؟ چرا نمی‌گویند به چه علت چنین رأی و نظری داده‌اید؟ چرا هیچ دلیلی نمی‌آورید؟ این یک رویه اشتباه است. از کجا معلوم که در هنگام نطق یک نماینده در مجلس ناگهان ایشان را از مجلس بیرون کنند؟ اصلاً اگر این‌طور باشد، یک موقع رئیس مجلس را وسط نطقش پایین می‌کشند و او را از مجلس اخراج می‌کنند». مطهری با بیان اینکه در مجلس جدید خر‌ها بیشتر شده‌اند، خاطرنشان کرد: «رئیس کمیسیون اصل ۹۰ باید یک فرد حقوق‌دان یا قاضی باشد تا بتواند با دقت و علم در مباحث ورود کند».

ادامه از صفحه ۱۹

روزنه

علی مطهری:

نمی‌توانیم مردم را مجبور کنیم که به‌فلان‌کس رأی بدهند

● **ایسنا:**
نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه آزادی اجتماعی یعنی هیچ انسانی بنده دیگری نباشد، ادامه داد: «در آزادی اجتماعی موضوع ارباب و رعیتی ممنوع است. مسئله مهم این است که آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر نیست و درواقع آزادی اجتماعی به دنبال آزادی معنوی ایجاد شده و با رسیدن به آزادی معنوی است که آزادی اجتماعی در دسترس خواهد بود».
علی مطهری سه‌شنبه‌شب در جمع دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان در سخنانی با موضوع «آزادی در جمهوری اسلامی از منظر شهید مرتضی مطهری» گفت: «آزادی اقسامی دارد که از یک نظر به اجتماعی و معنوی و از نظر دیگر به انسانی و حیوانی تقسیم می‌شود».
فرزند شهید مطهری افزود: «آزادی تفکر نمونه دیگری از آزادی است. انسان یک موجود متفکر است؛ پس باید آزادی تفکر داشته باشد. البته بلافاصله بعد از آزادی تفکر، هر انسانی نیازمند آزادی بیان است و نقد قدرت نیز از همین آزادی تفکر و آزادی بیان شروع می‌شود».
مطهری تأکید کرد: «قدرت باید نقد شود؛ چراکه قدرت را اگر در خلوت بگذاریم، قطعاً فاسد می‌شود. امام علی(ع) به صراحت اعلام کرده که از من در آشکار و نهان انتقاد کنید».
نماینده مردم تهران در مجلس خاطرنشان کرد: «خط قرمز در جامعه اسلامی زمانی است که افراد صلاح به دست بگیرند؛ بنابراین با یک انتقاد کوچک نباید افراد را برانداذ بنامیم و با آنها برخورد کنیم. این روش مطابق با سیره امیرالمؤمنین نیست».
او با بیان اینکه وجود اقلیت مخالف به نفع اکثریت است، ادامه داد: «چرا زمانی که حق وجود دارد، باید از مخالف بترسیم؟ شما بدانید که محبت و دوستی و همچنین ایمان به زور و اجبار اتفاق نمی‌افتد».
مطهری به رشد اجتماعی اشاره کرد و گفت: «رشد اجتماعی اجباربردار هست؛ اما برای رسیدن به کمال مطلوب قطعاً اجبار را چاره نیست؛ اما آنها باید در انتخاب و تفکر آزاد باشند، حتی اگر ما درست گفته باشیم».
او با ذکر مثالی از گفته‌های شهید مطهری تصریح کرد: «ایشان بارها اعلام کرد که انتخابات مجلس باید برای مردم آزادانه انجام شود تا آنها اشتباه کنند و یاد بگیرند. درواقع ما باید مردم را آزاد بگذاریم تا رشد اجتماعی برسند».
مطهری با اشاره به نوع برخورد امامان با مخالفانشان گفت: «اگر امامان از ابتدا با مخالفان با زور و درگیری و بگیریوبند مواجه می‌شدند، قطعاً امروز چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند و اگر می‌بینید امروز اروپاییان از دین برده‌اند، به خاطر سخت‌گیری‌ها و بگیریوبندهایی بوده است که روزگاری کلیسا بر مردم روا داشته و اجازه ابراز عقیده به آنها نمی‌داده است. در اسلام همواره ایمان و عقل و علم و عقل با یکدیگر آمده است. و واقع عقل یکی از مسالن محوری در دین اسلام است».

رئیس کمیسیون اصل ۹۰ باید یک فرد حقوق‌دان یاقاضی باشد

او در بخش دیگری از سخنان خود به بحث مینو خالقی اشاره کرد و گفت: «ما در خصوص این منتخب مردم اصفهان نامه‌ای به آقای جنتی و سپس به آقای رئیس‌جمهور ارسال کردیم. در اینجا قانون انتخابات روشن‌شده و ابهامی ندارد و در ماده ۷۳ آن به‌صراحت همه‌چیز اعلام شده است و آمده که بعد از اعلام سلامت انتخابات حوزه، شورای نگهبان اعتبارنامه‌های افراد را امضا و به مجلس ارسال کند. در این موضوع شورای نگهبان انتخابات اصفهان را تأیید کرد، ولی انتخاب این فرد را باطل اعلام کرده است. چنین چیزی با عقل جور در نمی‌آید. چطور می‌شود شورای نگهبان این فرد را تأیید کند و نظر قطعی و نهایی را بدهد. اما دوباره چنین مباحثی را مطرح کند».
نماینده مردم تهران افزود: «در این‌نامه داخلی مجلس آمده است اگر مدارکی بعد از انتخاب نماینده پیدا شد، باید مجلس تعیین کند که اعتبارنامه آن فرد مورد تأیید است یا نه. این موضوع درباره خانم خالقی روشن است و شورای نگهبان هم می‌داند اشتباه کرده است و کاملاً مطمئن است که اعتبارنامه خالقی در مجلس رأی می‌آورد، اما آنها اشتباهی را که قبلاً مرتکب شده‌اند، می‌خواهند حالا جبران کنند. اصلاً چنین چیزی وجود ندارد».
نماینده منتخب مردم تهران در مجلس دهم، افزود: «عده‌ای در کشور حق اعتراض را قبول ندارند».
مطهری در بخش دیگری از سخنان خود به‌موضوع مینو خالقی بازگشت و گفت: «اینکه می‌گویند هیات حل اختلاف، خانم خالقی را رد کرده است، باید یک سؤال به وجود می‌آورد که چرا علت این ابطل را نمی‌گویند؟ چرا نمی‌گویند به چه علت چنین رأی و نظری داده‌اید؟ چرا هیچ دلیلی نمی‌آورید؟ این یک رویه اشتباه است. از کجا معلوم که در هنگام نطق یک نماینده در مجلس ناگهان ایشان را از مجلس بیرون کنند؟ اصلاً اگر این‌طور باشد، یک موقع رئیس مجلس را وسط نطقش پایین می‌کشند و او را از مجلس اخراج می‌کنند».
مطهری با بیان اینکه در مجلس جدید خر‌ها بیشتر شده‌اند، خاطرنشان کرد: «رئیس کمیسیون اصل ۹۰ باید یک فرد حقوق‌دان یا قاضی باشد تا بتواند با دقت و علم در مباحث ورود کند».